

خانواده از دیدگاه قرآن



نویسنده: مهدیه زعفری زاده

انتشارات پندار قلم

۱۳۹۷

سرشناسه	: زعفری زاده، مهدیه، ۱۳۵۷ -
عنوان و نام پدیدآور	: خانواده از دیدگاه قرآن / نویسنده مهدیه زعفری زاده.
مشخصات نشر	: تهران: پندار قلم، ۱۳۹۷.
مشخصات ظاهری	: ۹۰ ص.
شابک	: ۹۷۸-۶۰۰-۹۹۰۳-۴۵-۰ : ۱۲۰۰۰ ریال
وضعیت فهرست نویسی	: فیبا
یادداشت	: کتابنامه: ص. ۸۵-۹۰.
موضوع	: خانواده ها -- جنبه های قرآنی
موضوع	: Families -- Qur'anic teaching
موضوع	: خانواده ها -- جنبه های مذهبی -- اسلام
موضوع	: Families -- Religious aspects -- Islam
رده بندی کنگره	: BP ۱۰ / ج ۷ ۱۳۹۷ ز
رده بندی دیویی	: ۱۷۱/۵۹
شماره کتابشناسی ملی	: ۵۳۰۰۶۰۴

خانواده از دیدگاه قرآن
نویسنده: مهدیه زعفری زاده
تهران-۱۳۹۷
انتشارات: پندار قلم
چاپ: اول
تیراژ: ۱۰۰۰ نسخه
قطع: وزیری
طراحی جلد: آتلیه تصویرگران
شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۹۹۰۳-۴۵-۰
قیمت: ۱۲۰۰۰ ریال

پیشگفتار

دین مبین اسلام با توجه به فطریات و استعدادهای نهفته آدمی راهکارهای متعددی را برای نیل به سعادت و آینده‌ای درخشان ارائه کرده است. خانواده اساسی‌ترین رکن شکل‌گیری شخصیت آدمی است و با کمک آن می‌توان آینده‌ای روشن را ترسیم نمود و در همین راستا تربیت دینی نقش عمده‌ی خود را به‌وضوح نشان داده است. هماهنگی مذهب با فطرت آدمی، اصلی‌ترین عنصری است که ضرورت تربیت دینی را آشکار می‌کند و نشانه‌ی این امر، گرایش غالب انسان‌ها به مذاهب و ادیان در طول تاریخ بوده است. تمام تحولات حیات بشری در سخت‌ترین شرایط زندگی از کران تا کران جهان مذهب و دین حضور خویش را در میان مردم به‌عنوان یک نیروی درونی و غیر متکی به‌زور، بر روی حکومت‌ها حفظ کرده است. وجود ارتباط متقابل میان تربیت دینی و فرآیند اجتماعی شدن در سطح خرد و کلان جامعه گویای اهمیت و تأکید بر لزوم تربیت دینی است. اسلام که دین جامع و کامل در تمام ابعاد است؛ پایه و اساس سعادت بشر را در تربیت دینی می‌توان نمود و پیروان خود را به فراگرفتن آن ترغیب می‌کند و خود در این مسیر راهنما و هدایت‌گر است.

دیدگاه اسلام به تربیت دینی برای مشخص کردن وظایف و حقوق والدین و فرزندان و در یک طیف وسیع، عاملان تربیت در این امر را بیان می‌کند. اگر پدران و مادران در مورد این وظایف و حقوق اعمال‌شده متوجه مسئولیت بزرگ خود باشند در خانواده، محیط مساعدی برای تربیت صحیح فراهم کنند و در ارتباط صمیمی با فرزندان ازجمله کودکان، گفتاری پاک و رفتاری پسندیده از خود ارائه دهند و قدم‌به‌قدم برنامه‌های تربیتی را اعمال نمایند، می‌توانند فرزندی ازهرجهت شایسته و لایق تربیت

کنند و از این راه اوامر الهی را اجرا نموده و همچنین وظیفه خود را نسبت به فرزند و جامعه انجام دهند.

گاه دیده شده است که چالش‌های فکری در امر تربیت زمینه مناسب برای ارائه دین در زمینه تربیت را فراهم ننموده و همین باعث می‌شود افق دین در راستای این امر خطیر کمرنگ جلوه کند. اگرچه که آثار و عواقب آن در مدت زمان طولانی آشکار خواهد شد، اما باید توجه داشت که هرچقدر فاصله زمانی بین تربیت و دین بیشتر باشد، بران این امر مشکل‌تر خواهد شد. از آنجاکه سعادت آدمی در پرتو عمل به دستورات دین است، عدم آگاهی از آن، آدمی را به ذلت و خمودگی می‌کشانند.

خانواده از منظر قرآن

والدین نخستین کسانی هستند که کمک از آن‌ها منشأ می‌گیرد و با آن‌ها در تماس است و عالی‌ترین نقش را در زمینه پرورش و رشد شخصیت او ایفا می‌کنند و خود از یکسو عامل وراثت‌اند و از سوی دیگر عامل محیط.

قرآن و روایات نیز علاوه بر اشاره و تأکید بر این در نقش عامل سومی را نیز گوشزد کرده‌اند و آن فطرت است؛ قرآن کریم به تأثیر وراثت در تربیت اشاره می‌کند. آنگاه که از زبان حضرت نوح می‌فرماید: وَقَالَ نُوحٌ رَبِّ لَا تَذَرْ عَلَى الْأَرْضِ مِنَ الْكَافِرِينَ دَيَّارًا إِنَّكَ تَرْكُهُمْ يَضِلُّوا عِبَادَكَ وَلَا يَلِدُوا إِلَّا فَاجِرًا كَفَّارًا؛ و نوح گفت پروردگارا، هیچکس از کافران را بر روی زمین مگذار، چرا که اگر تو آنان را باقی گذاری، بندگان را گمراه می‌کنند و جز پلید کار ناسپاس نزنایند (نوح/۲۶/۲۷).

در اینجا توجه به این نکته لازم است که آیه تنها وراثت را مطرح نمی‌کند، بلکه محیط و وراثت را مطرح می‌کند و مقصود ما این است که بگوییم وراثت نیز نقش مهمی، دست‌کم به‌اندازه محیط خواهد داشت. حضرت نوح به خدا عرض می‌کند

خدا یا اگر این کافران را باقی گذاری والا بندگان را گمراه می‌کنند و ثانیاً جز نسلی کافر و فاجر را به بار نخواهند آورد. این محصولی از محیط وراثت است زیرا لفظ یدلوا را نمی‌توان به‌طور کامل از ولادت منصرف دانست نهایت اینکه بگوییم محصول وراثت و محیط آن‌ها چیزی جز کافر و فاجر نخواهد بود زیرا قوم نوح نسل در نسل کافر بوده و نور فطرت در آن‌ها به خاموشی گراییده است به‌گونه‌ای که دیگر امیدی به هدایت و اصلاح آن‌ها نخواهد بود. محیط آن‌ها نیز فاسد و گمراه‌کننده است.

آنچه به والدین در شیوه‌ی تعلیم و تربیت کمک می‌کند در ۲ بخش روش تربیتی به‌صورت مستقیم و غیرمستقیم است. آنچه رفتار را شکل می‌دهد انعکاس رفتار والدین است؛ کرد و کردار والدین را الگوی خود دانسته از آن‌ها تقلید می‌کند و بر همین اساس، مسائل دینی ابتدا به والدین در نحوه رفتار تذکر می‌دهد تا پیروی کودکانشان از نحوه‌ی برخورد آن‌ها با مسائل اخلاقی پرسؤال نبرد. آنچه از آیات قرآنی می‌توان در دو بخش نامبرده استفاده کرد و به‌عنوان یک روش استوار که آیات قرآنی بخصوص در ذکر داستان‌های پیامبران بیان کرده به شرح می‌رساند.

در روش تربیتی مستقیم به‌صورت:

۱- سخنرانی مثل سوره نحل آیه ۱۲۵

۲- مباحثه مثل سوره ص آیه ۹۲

۳- پرسش و پاسخ مثل سوره بقره آیه ۲۱۵

۴- مجادله مثل سوره نحل آیه ۱۲۵ و در روش تربیتی غیرمستقیم:

و در روش تربیتی غیرمستقیم:

۱- مشاهده مثل سوره حجرات آیه ۱۱

۲- نمایشی به‌صورت داستان‌سرایی و خطابه‌ی غیرمستقیم مثل سوره توبه آیه ۴۳

۳- مقایسه مثل سوره فصلت/ آیه ۳۴ و سوره فاطر/ آیه ۲۲ - ۱۹

۴- تمثیل مثل سوره زمر آیه ۲۷ و سوره کهف آیه ۴۵

تعریف خانواده از منظر قرآن

اهمیت خانواده و نقش آن در جامعه بشری از رهاورد تأمل و تفکر در دو بعد وجودی انسان آشکار می‌گردد. خانواده یک واحد اجتماعی است که هدف از آن در نگاه قرآن، تأمین سلامت روانی برای سه دسته است؛ زن و شوهر، پدر و مادر و فرزندان. همچنین هدف، ایجاد آمادگی برای برخورد و رویارویی با پدیده‌های اجتماعی است. در آیه ۷۴ سوره ارفاق می‌خوانیم: (والذین یقولون ربنا هب لنا من أزواجنا قرّة أعین و اجعلنا للمتقین إماماً) کسانی که می‌گویند خدای ما، ما را از همسرانمان نور چشمان ببخش و ما را رهبر پرهیزکاران گردان. این آیه بر اهمیت خانواده و پیش‌آهنگی آن در تشکیل جامعه بشری اشاره دارد، چنان‌که پیوندهای سالم و درخشان خانوادگی را ایدئال پرهیزکاران معرفی می‌کند. در درون واحد اجتماعی خانواده پدر و مادر از آغاز تولد کودکان به‌عنوان الگو برای آنان مطرح هستند، نقش و معنای اهمیت خانواده در بهسازی وضعیت بشر نیز در همین واقعیت نهفته است. در نگاه پیشوایان دین، باورها، چگونگی زندگی، عادات، تمایلات و اهداف والدین از مهم‌ترین عوامل تأثیرگذار بر کودکان هستند. بنابراین نوع رفتار والدین در هماهنگ‌سازی خواست‌ها و تمایلات خودشان از یک‌سو و تمایلات خانوادگی و اجتماعی از سوی دیگر و همچنین تلاش پیوسته آنان برای تأمین رفاه و سلامتی روانی خانواده و نوع برخوردشان با وظایف دینی و اجتماعی از عوامل ایجاد هسته تعاون و همکاری اجتماعی در کودک شمرده می‌شوند. ارزش خانواده پیش از هر چیز بر پایه مودت و دوستی بین اعضای آن استوار است؛ اعضای که انجام حقوق متقابل،

آنان را در کنار یکدیگر نگاه داشته است و اگر این جریان بر اساس دوستی و تفاهم و برکنار از منیت‌ها ادامه یابد به کمال انسانی مورد انتظار خواهد انجامید. از نگاه قرآن، خانواده، مدرسه محبت و دوستی است؛ در آیه ۲۱ سوره روم آمده است: (وَمِنْ آيَاتِهِ أَنْ خَلَقَ لَكُمْ مِنْ أَنْفُسِكُمْ أَزْوَاجًا لِتَسْكُنُوا إِلَيْهَا وَجَعَلَ بَيْنَكُمْ مَوَدَّةً وَرَحْمَةً إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَاتٍ لِقَوْمٍ يَعْقِلُونَ) از نشانه‌های او این است که از خود شما جفت‌هایی برای شما آفرید تا نزد ایشان یابید و میان شما دوستی و مهریانی برقرار ساخت. همانا در این نشانه‌ها است برای آنان که می‌اندیشند. در این آیه چند نکته و نقطه با اهمیت درباره خانواده وجود دارد که شایسته بررسی است:

۱- «أَزْوَاجًا مِنْ أَنْفُسِكُمْ» همسانی از خودتان. بر اساس این تعبیر، رابطه و پیوند زن و شوهر یکی از ابعاد مهم خانواده است. چنان که پیش‌تر اشاره کردیم انسان موجود اجتماعی است که رشد، شکوفایی و نامشروع و گرو ارتباط با دیگران و سختیها و مشکلات این مسیر می‌باشد؛ چرا که راه کمال بی‌پایان است؛ و در هر مرحله از مراحل زندگی و رشد، یک سلسله نیازهای ویژه وجود دارد که خود را در عمل ارتباط با دیگران نشان داده و انعکاسی از نیاز درونی انسان است به خواسته‌ها و ایده‌آل‌های اوست. پیوند میان زن و شوهر چیزی جز پیوند دوجانبه‌ای پیراسته از هر انگیزه دیگر نیست. در خانواده است که نقاط ضعف و قوت شخصیت انسان را به شیخ گونه ترس یا ملاحظه‌ای آشکار می‌شود، خانواده محیطی است که امکان درمان مشکلات به صورت طبیعی در آن فراهم است، زیرا با بردباری، محبت، وفاداری و اطمینان متقابل زن و شوهر زمینه شناخت نقاط منفی شخصیت و بررسی آنها و رهایی از چنگ آنها با خودسازی بیش از هر جای دیگر میسر می‌شود. بنابراین در نگاه اسلام، آلودگیهای درونی بدتر از زشتیهای بیرون است و محیطی که در آن امکان ظهور و

بروز نقاط منفی شخصیت بدون ترس از کیفر وجود دارد - که همان خانواده است - از این ویژگی نیز برخوردار است که امکان رهایی از آن ضعفها نیز در آن فراهم است. به هر حال با نیروی عشق و محبت می توان به دشوارترین مقصودها رسید.

۲- و جعل بینکم مودة؛ میاتنان دوستی برقرار ساخت. دومین نقطه مهم در خانواده محبت بین زن و شوهر است؛ آنها با تعامل دوستانه و همکاری در مسیر شناخت خود و خدای خود به آرامش می رسند و در وادی امن الهی گام می نهند؛ از همین رو تعبیر (تسکنوا الیها) در آیه شریفه آمده است.

۳- لتسکنوا؛ آرامش یابد. (سکنی) دست یافتن به مقام سکونت و آرامش است و این تعبیر در قرآن اشاره به این واقعیت دارد که آرامش، مقام و موقعیتی است که انسان در پهنه هستی باید بدان دست یابد و از دیدگاه قرآن وظیفه خانواده زمینه سازی برای همین هدف است، حال چه زن و شوهر، یا کسانی که راه آنان را ادامه می دهند؛ یعنی فرزندان.

۴- رحمه؛ اصل مهربانی. الفت زن و شوهر و همکاری آن دو با نیروی عشق و محبت در مسیر کمال، رحمت و مهربانی را برای خانواده و دیگران به بار می آورد، پس پیوند سالم است که ضامن فراهم شدن زمینه مناسب برای ارتباط مسؤولان و پندگار است و این چیزی است که نوگامانی که در آغاز راهند، از آن الگو می گیرند و در روابط آینده شان با جامعه به عنوان سرمشق بدان می نگرند. پیامدهای رفتار والدین بیشتر از نقش محسوس آنان در روابط شان با فرزندان است، بلکه نوع تعامل والدین با یکدیگر سنگ بنای شخصیت روانی فرزندان را می نهد که اگر سالم بود، رحمت به بار می آورد. منظور از سازگاری و هماهنگی میان زن و شوهر، بیشتر، تلاش در جهت تعالی و تکامل دوسویه با وجود تفاوتهای طبیعی و ذاتی است تا توافق و تفاهم میان

آنها. بنابراین چنان که یک سری تفاوت‌های فیزیولوژیکی میان زن و مرد وجود دارد، یک سلسله تفاوت‌های مهم روانی نیز دارند؛ چنان که آیات کریمه زیر بدین نکته اشاره دارد: "و اللیل إذا یغشی. والنهار إذا تجلی؛ و ما خلق الذکر و الأنثی. إنّ سعیمک لشیء" (لیل/۳) با این حال تا آنجا که به روحیات و ویژگی‌های شخصیتی مربوط می‌شود، تفاوت آنها همچون تفاوت فیزیولوژیک نیست و ارتباط به بعد زنانگی و مردانگی افراد ندارد. این شرایط اجتماعی، خانواده و فرهنگ است که عوامل مؤثر در شخصیت افراد به شمار می‌آید و دوگانگی‌هایی در چگونگی رفتار و کارهای زن و مرد می‌آفریند. اینجاست که نسبت خانواده یعنی تفاهم و دوستی متقابل برای کنار آمدن و تعامل با میلها و گرایشهای متفاوت به عنوان عناصر تشکیل دهنده واحد شخصیت انسان، به صورت دقیق تعیین می‌شود چیزی که راستی، اطمینان، فروتنی، تقوا و پرهیز از خودمحوری را می‌طلبد و فرزندان را می‌دارد تا از آن در روابط اجتماعی شان با دیگران الگو بگیرند، به گونه ای که تفاوتی فردی، اجتماعی و فرهنگی دیگران را همچون تفاوت‌های پدر و مادر خودشان از عوامل کامل مانند و این گونه تعامل است که زمینه تفاهم بین ملتها و سازگاری بین باورهای نوناگو را فراهم می‌کند و سبب صلح و امنیت در سطح بین المللی می‌گردد. پدر و مادر مسئول تربیت فرزندان شان به چنین روشی هستند و بر اساس حدیث شریف پیامبر اکرم (ص) فرزندان را به انتهای در دست پدر و مادرند که باید از آنها مراقبت کنند، بدون اینکه احساس مالکیت نسبت به آنان داشته باشند. فرزند در رشد و بالندگی خود نیازمند عطف و مهربانی پدر و مادر است، که این محبت و مهربانی دو اثر اساسی دارد: یک. هسته ضروری تکامل و ایجاد اطمینان اولیه در روح کودک است. دو. زمینه پیدایش روح دوستی و مهربانی در ارتباط کودک با دیگران می‌شود.